

انواع صفت فاعلی و مفعولی

محسن ابوالقاسمی^۱

در مقاله حاضر در مورد انواع صفت‌های فاعلی و مفعولی در ایرانی باستان، فارسی میانه و فارسی دری و نیز طرز ساخت آنها بحث به میان آمده است.

۱- صفت فاعلی آینده و صفت مفعولی آینده

صفت فاعلی آینده^۲ دلالت می‌کند بر این که کننده کار در آینده کار را انجام خواهد داد و صفت مفعولی آینده^۳ دلالت می‌کند بر این که کار روی آن در آینده انجام خواهد گرفت.^۴

۲- صفت فاعلی مضارع

صفت فاعلی مضارع دلالت می‌کند بر این که کننده کار در حال یا آینده کار را انجام خواهد داد. در ادامه این صفت در سه دوره ایرانی باستان، فارسی میانه و فارسی دری توصیف خواهد شد.

۲-۱- صفت فاعلی مضارع در ایرانی باستان

صفت فاعلی مضارع گذرا^۵ (۱) از یکی از ماده‌ها و پسوندهای «-ant-» و «-at-» ساخته می‌شود. صفت فاعلی ناگذرا^۶ از یکی از ماده‌ها و پسوندهای «-mna-» و «-āna-»:

bar-a-nt-: برنده

daθ-āma-: دهنده

در ایرانی باستان صفات فاعلی مضارع دیگری نیز وجود داشته است که از ریشه و پسوندهای

«-tar-» و «-ā-» ساخته می‌شده است.

dā-tar: دادار

bag-a-: بخشنده

۲-۲- صفت فاعلی مضارع و صفت مفعولی مضارع در فارسی میانه

^۱ - استاد فرهنگ و زبان‌های باستانی

^۲ - Future Active participle

^۳ - Future Passive Participle

^۴ - درباره این صفت‌ها در فصلنامه پازند سال دهم شماره ۳۸ و ۳۹ پاییز و زمستان ۱۳۹۳ مقاله‌ای چاپ شده است لطفاً برای اطلاعات بیشتر به آن مقاله رجوع کنید.

^۵ - Present Active Participle

^۶ - Present Middle Participle

در فارسی میانه «i/ant/dak/g» به جای «(a)nt-» به کار رفته است و از ماده مضارع(۳)، صفت فاعلی مضارع ساخته می‌شده است.

فارسی میانه زردشتی: šāyindak : شاینده

فارسی میانه ترفانی: sōzindag : سوزنده

در واژه «buland» : «بلند»، فارسی میانه زردشتی و ترفانی، «and» به جای «-ant-» ایرانی باستان آمده است. «buland» از نظر فارسی میانه غیرقابل تجزیه است.

در فارسی میانه پسوند «-āna-» ایرانی باستان به صورت پسوند «-ān-» آمده است و از ماده مضارع صفت فاعلی مضارع ساخته است.

فارسی میانه زردشتی : raw-ān : «روان»

فارسی میانه ترفانی : gōw-ān : «گویان»

پسوند «-mna-» ایرانی باستان به فارسی میانه نرسیده است. پسوند «-tar-» ایرانی باستان در فارسی میانه «-ār-» شده و از ماده ماضی، صفت فاعلی مضارع، صفت مفعولی مضارع و اسم مصدر ساخته است.

صفت فاعلی مضارع:

فارسی میانه زردشتی: raft-ār : «رونده»،

فارسی میانه ترفانی: buxt-ār : «نجات دهنده»،

صفت مفعولی مضارع:

فارسی میانه زردشتی: grift-ār : «گرفتار»،

اسم مصدر:

فارسی میانه زردشتی: kišt-ār : «زراعت کردن، کشاورزی کردن».

پسوند «-ā-» ایرانی باستان در فارسی میانه به صورت «-āk/g-» رسیده، و از ماده مضارع، صفت فاعلی مضارع ساخته است.

فارسی میانه زردشتی: dān-āk

فارسی میانه ترفانی: dān-āg

۲-۳- صفت فاعلی مضارع و صفت مفعولی مضارع در فارسی دری

در فارسی دری پسوند «-i/antak-» فارسی میانه زردشتی «-نده» شده است و برای ساختن صفت فاعلی مضارع از ماده مضارع به کار می‌رود:

«گوی-نده، رو-نده»

در فارسی دری بازمانده «-ant-» ایرانی باستان به صورت «-and-» باقی مانده و از ماده مضارع، صفت فاعلی ساخته و واژه ساخته‌شده قابل تجزیه نیست. «چرند» و «پرند» به معنی «حیوان چرنده و پرنده» است و چرند گفتن: «یاوه گفتن» است(۴).

پسوندها «-ān» فارسی میانه به صورت «-ان» آمده است و از ماده مضارع، صفت فاعلی مضارع ساخته است مانند «دوان» و «روان».

پسوندها «-ār» فارسی میانه به صورت «-ار» آمده و از ماده ماضی، صفت فاعلی مضارع، صفت مفعولی مضارع^۱ و اسم مصدر ساخته است مانند:
صفت فاعلی مضارع: خواستار،
صفت مفعولی مضارع: گرفتار،
اسم مصدر: کردار.

پسوندها «-āk» فارسی میانه به صورت «-ا» درآمده و از ماده مضارع، صفت فاعلی مضارع ساخته است.
مانند: «دان-ا»، «بین-ا».

۳- صفت فاعلی نقلی

۳-۱- صفت فاعلی نقلی در ایران باستان

در ایرانی باستان صفت فاعلی نقلی^۲ از ریشه فعل لازم و پسوند «-ta» ساخته می‌شود. این صفت دلالت می‌کند بر این که کسی یا چیزی کار را در گذشته شروع کرده است و اکنون هم اثر آن کار ادامه دارد:

bū-ta-: «بوده».

šā-ta: «شاد».

۳-۲- صفت فاعلی نقلی در فارسی میانه

برخی از بازمانده‌های صفت فاعلی نقلی از ایرانی باستان همچنان در فارسی میانه صفت فاعلی نقلی به شمار می‌آیند.

فارسی میانه زردشتی: šāt: «شاد».

فارسی میانه ترفانی: šād: «شاد».

در فارسی میانه پسوند «-ak/g» به ماده ماضی فعل لازم murd: «مرده»، متصل شده و از آن صفت فاعلی نقلی ساخته است (murdag). در فارسی میانه پسوند «-ak/g» به ماده ماضی فعل لازم متصل شده و از آن صفت فاعلی نقلی ساخته است.

فارسی میانه زردشتی: būt-ak: «بوده».

فارسی میانه ترفانی: taft-ag: «تفته».

^۱ - Present Passive Participle

^۲ - Perfect Active Participle

۳-۳- صفت فاعلی نقلی در فارسی دری

در فارسی دری پسوند «-a» از فارسی میانه زردشتی «-ak» به ماده ماضی پیوسته می‌شود و از آن صفت فاعلی نقلی می‌سازد، این «a» را در تهران بدل به «e» کرده‌اند و در سایر شهرها از تهرانی‌ها تاثیر پذیرفته‌اند و «e» تلفظ می‌کنند.
مانند: «بود-ه»، «ماند-ه».

۳-۴- صفت مفعولی نقلی در ایرانی باستان

در ایرانی باستان صفت مفعولی مضارع نداریم، از این رو به صفت مفعولی نقلی^۱ پرداخته می‌شود. صفت مفعولی نقلی در ایرانی باستان از ریشه متعدی و پسوند «-ta»، ساخته می‌شود. ریشه معمولاً ضعیف است.

barə-ta: «برده»، صفت مفعولی نقلی از bar: «بردن»،

karə-ta: «کرده»، صفت مفعولی نقدی از kar: «کردن».

۳-۵- صفت مفعولی نقلی در فارسی میانه

صفت مفعولی نقلی در فارسی میانه از ماده ماضی و پسوند «-ak/g» ساخته می‌شود.

zāt-ak: «زاده»،

zādag: «زاده».

برخی از صفات مفعولی نقلی ایرانی باستان در فارسی باقی مانده است، البته با حذف «a» پایانی.

gumārt: «گمارده»،

gumārd: «گمارده».

۳-۶- صفت مفعولی نقلی در فارسی دری

صفت مفعولی نقلی در فارسی دری با حذف «-k» از پایان صفت مفعولی نقلی فارسی میانه به وجود می‌آید.

مانند: «دیده»، «زاده».

اگر «k» میان کلمه فارسی میانه باشد باقی می‌ماند و به «g» بدل می‌شود.

صورت جمع و حاصل مصدر: «دیده»: «دیدگان»، «دیدگی» و «زنده»: «زادگان»، «زادگی» می-

شود.

¹ - Perfect Passive Participle

پی‌نوشت

- ۱- در ایرانی باستان و سنسکریت فعل و صفات فاعلی و مفعولی آن را به دو دسته تقسیم می‌کنند: گذرا و ناگذرا. گذرا تقریباً مثل متعدی و ناگذرا تقریباً مانند لازم است. در افعال، شناسه‌های گذرا و ناگذرا و در مشتقات، پسوندهای گذرا و ناگذرا با هم فرق می‌کنند. این امر در فارسی میانه از میان رفته است.
- ۲- اثر باقی‌مانده از فارسی باستان، کتیبه‌های شاهان هخامنشی است. این زبان، دو فارسی میانه دارد، فارسی میانه زردشتی و فارسی میانه ترفانی. این دو زبان با هم فرق‌هایی دارند. لطفاً برای مطالعه بیشتر در مورد تفاوت این دو زبان، به مقاله‌ای در فصلنامه پازند سال دوازدهم شماره ۴۵ تابستان ۱۳۹۵ مراجعه شود. فارسی میانه زردشتی و فارسی میانه ترفانی به نسبت فارسی باستان، فارسی میانه هستند، اما از نظر فارسی دری، تنها فارسی میانه زردشتی، فارسی میانه است.
- ۳- در فارسی میانه ریشه از میان رفته است و به جای آن ماده ماضی و ماده مضارع آمده است.
- ۴- فرهنگ نفیسی.

منابع

- بهار، مهرداد (۱۳۴۶). واژه‌نامه بندهش، تهران.
- تفضلی، احمد (۱۳۴۸). واژه‌نامه مینوی خرد، تهران.
- حاجی‌پور ارطرائی، نادیا (۱۳۹۴). *ماتیگان هزار داتستان*، رساله دکتری رشته فرهنگ و زبان‌های باستانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران.
- نیبرگ، هنریک ساموئل (۱۳۸۱). *دستورنامه پهلوی*، ج ۱ و ۲، تهران.

Bartholomea, C. (1967). *Altiranisches Wörterbuch*, Berlin.

Boyce, M. (1977). *Acta Iranica*, 9a, Leiden.

Hoffman, K. und B. Forssman (2004). *Avestische Laut- und Flexionslehre*, Innsbruck.

Jackson, A.V. W. (1892). *Avesta Grammar*, Stuttgart.

Kent, R. G. (1953). *Old Persian*, New Haven Connecticut.

Mackenzie, D.N.A. (1971). *Concise Pahlavi Dictionary*, London.

Reichelt, H. (1967). *Awestisches Elementarbuch*, Heidelberg.